

## تحلیل ظرفیت‌های انتظار در عرصه خودباوری تمدنی در ایران پس از انقلاب اسلامی

حمید صالحی<sup>۱</sup>

امیرمحسن عرفان<sup>۲</sup>

### چکیده

این پژوهش با هدف اکتشاف مهم‌ترین ظرفیت‌های انتظار در تعمیق خودباوری تمدنی سامان یافته است. این تحقیق روش توصیفی-تحلیلی را در پردازش محتوا مبنا قرار داده و برای پاسخ به این سؤال سامان یافته است که انتظار منجی چه ظرفیت‌هایی در تحقق خودباوری تمدنی در ایران بعد از انقلاب اسلامی داشته است؟ آنچه در این زمینه مهم می‌نماید، خلأ مطالعاتی در رویکرد تمدنی به آموزه انتظار است. نباید دور داشت که از حیث راهبردی تبیین ظرفیت‌های تمدنی باورداشت آموزه مهدویت در مهندسی تمدن نوین اسلامی نقش مهمی دارد.

نتایج تحلیل و ترکیب داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که «خلق آرمان قدسی و متعالی برای تمدن‌سازی»، «ترسیم هویت غایی برای تحولات تمدنی»، «عدم بسندگی به واقعیت‌های موجود و تجویز حرکت به سوی آینده روشن» و «تولید امید صادق تمدنی». از جمله مهم‌ترین تهدیدهای تمدنی غرب در مواجهه با خودباوری تمدنی ایران پس از انقلاب اسلامی است.

**واژگان کلیدی:** مهدویت، خود باوری تمدنی، انتظار، تمدن، انقلاب اسلامی، ایران.

۱. دانشجوی مقطع دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.  
hamidsalehi.islam@gmail.com «نویسنده مسئول»

۲. استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.  
Erfan@maaref.ac.ir

## مقدمه

مقوله خودباوری تمدنی و پیوند آن با آموزه مهدویت از حوزه‌های ناشناخته پژوهشی در عرصه تمدن پژوهی است. اگرچه پژوهش‌های فراوانی در باب تمدن اسلامی و ضرورت بازشناسی و احیای آن انجام شده است ولی هنوز مسئله خودباوری تمدنی و اقتضائات آن تصویر روشنی پیدا نکرده است.<sup>۱</sup>

نکته اساسی در خور یادکرد، این است که باور جمعی هر ملت به توانایی‌های خود برای اثربخش بودن، یک عامل تعیین‌کننده مهم برای تمدن‌سازی است. باید توجه داشت که «دستیابی به اهداف کلان»، «خلق چشم‌اندازهای متعالی» و «پایداری نسبت به مأموریت‌های تمدنی»؛ جز در پرتو عزم جمعی، غرور ملی و خودباوری تمدنی ممکن نیست. در مقابل خودباختگی فکری و اندیشه‌ای و فقدان عزم جمعی بر رقابت در عرصه بین‌الملل مهم‌ترین بستر سلطه تمدنی رقیب را مهیا می‌سازد. گذشته تاریخی ایران و نیز جهان اسلام گواهی صادق بر این مدعاست.

این نکته افزودنی است که به منظور تحقق خودباوری تمدنی در ایران اسلامی، آنچه باید به آن توجه ویژه داشت، عوامل پیش‌برنده و پیش‌کشنده می‌باشد. برای حرکت تمدنی، لازم است تمام لوازم و ابزار و شرایط مهیا شود تا بتوان به سوی هدف موردنظر حرکت کرد. رقیب تمدنی ما از ظرفیت‌های انتظار موعود بیش‌ترین سوء استفاده را انجام می‌دهد و این خود مهم‌ترین انگیزه در نگرش تمدنی به آموزه مهدویت می‌باشد.

---

۱. در دنیای اسلام و جهان عرب در دوره متأخر، اگرچه بحث‌های تمدنی رواج داشته است و کتاب‌هایی نظیر: الدین و الحضارة الانسانية، نوشته محمد البهی (۱۹۶۴م)؛ النقد الذاتی، از علال الفاسی (۱۹۶۵م)؛ فی معركة الحضارة: دراسة فی ماهیه الحضارة و احوالها و فی الواقع الحضاری، نوشته قسطنطین زریق (۱۹۶۴م)؛ الحضارة، دراسة فی اصول و عوامل قیامها و تطورها، نوشته حسین مونس (۱۹۷۷م)؛ الاسلام و الحضارة الغربیه، از محمدحسین (۱۹۶۵م)؛ جاهلیة القرن العشرین از محمد قطب (۱۹۶۵م) و الاسلام و الحضارة از انور الجندی (۱۹۶۶م)؛ نگاشته شده است. در این زمینه رک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸؛ ص ۱۳؛ ولی کماکان مقوله خودباوری تمدنی در این آثار یا بحث نشده است یا خیلی گذرا به آن اشاره شده است.

## پیشینه‌شناسی پژوهش

بایسته است اشاره شود که مروری بر آثار تألیف شده درباره خودباوری نشان می‌دهد که به برخی از زوایای خودباوری مانند: «عزت نفس» و «اعتماد به نفس» بیش‌تر پرداخته شده است. در آثار ترجمه شده هم غالباً بُعد فردی مورد بررسی قرار گرفته است.

برای نمونه علی محمد حاضری و علی اکبر علیخانی کتاب «خودباوری و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله علیه» را با رویکردی اجتماعی جمع‌آوری کرده‌اند. این کتاب تلفیقی از دو موضوع «خودباختگی و خودباوری» و «خودکفایی و استقلال اقتصادی» است. کتاب حاضر مشتمل بر هشت فصل می‌باشد. این اثر با محوریت اندیشه امام خمینی جمع‌آوری شده است که دورنمایی خوب از دیدگاه‌های ایشان در مورد خودباختگی و خودباوری در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

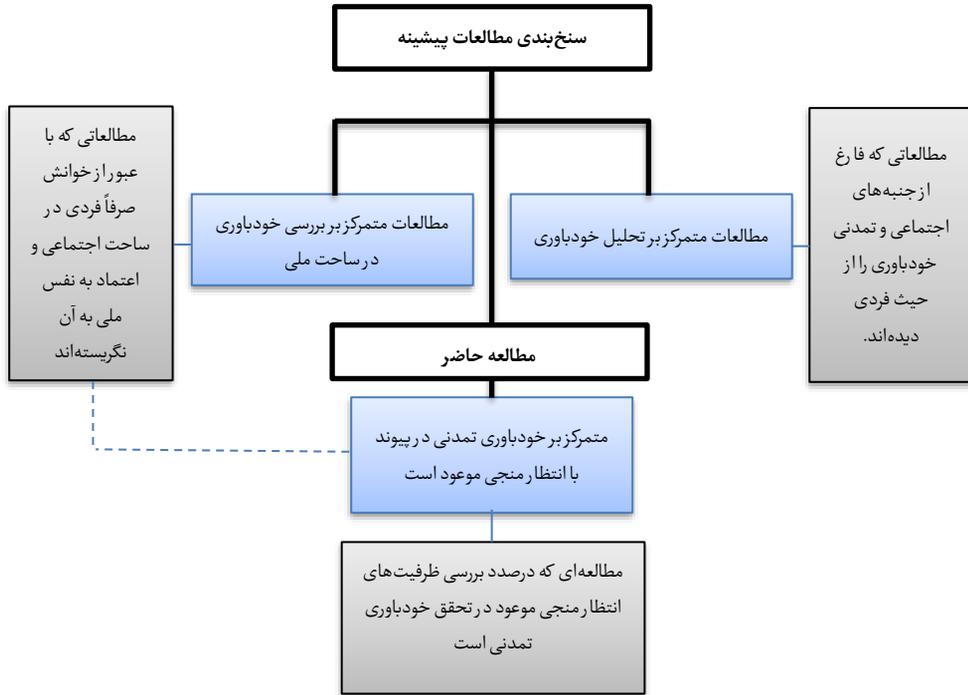
در مجموعه مقالات «فرهنگ عمومی، اعتماد به نفس ملی و انقلاب اسلامی» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰)؛ مقوله «خودباوری» با رویکردی جامعه‌شناسی تاریخی، سیاست فرهنگی مورد تبیین و بررسی قرار گرفته شده است. این کتاب، دربردارنده ۲۸ مقاله است که بیش‌تر مقوله «اعتماد به نفس ملی» را با رویکردی سیاسی اجتماعی مورد بررسی قرار داده است.

محمدتقی فعالی در مقاله «خودباوری، چالش‌ها و راهکارها (با تأکید بر نگرش دینی)» (فعال، ۱۳۹۴)؛ با رویکردی روان‌شناختی خودباوری را مورد مطالعه قرار داده است و به دنبال پاسخ به این سوال است که انسان مومن چگونه می‌تواند اعتماد به نفس ضعیف خویش را تقویت کند و به نقطه اعتدال برساند. نگارنده راه‌های تقویت اعتماد به نفس را به ترتیب در «خودآگاهی»، «خودارزشمندی»، «عزت نفس»، «حرمت نفس»، «مسئولیت‌پذیری»، «خویش‌داری»، «خوش‌بینی»، «خود آشکارسازی»، «هدف‌داری»، «کمک به دیگران» و ... برمی‌شمارد.

آن گونه که ملاحظه گردید، تا کنون اثر مستقلی که مقوله «خودباوری تمدنی» را مورد کاوش قرار داده باشد، به چشم نمی‌خورد. در واقع در زمینه خودباوری بیش‌تر به جوانب روان‌شناختی آن پرداخته شده و در برخی آثار نیز که موضوع «خودباوری» با رویکردی غیر روان‌شناسی مورد پژوهش قرار گرفته؛ به جنبه‌های تمدنی آن اشاره نشده است. فقدان کاوش در این زمینه؛



ضرورت سامان دادن به این تحقیق را بیش تر می‌کند.



### تبیین مفهوم‌شناختی «خودباوری تمدنی»

«خود» عبارت است از احساسات و ادراکاتی که هر کس از کل وجود خویشتن دارد و این مفهوم سبب می‌شود که با وجود تغییر و تحولاتی که در طول زمان برای آدمی پیش می‌آید، شخص پیوسته احساس دوام و استمرار کند (شرفی، ۱۳۷۹: ص ۱۸).

بنابراین، «خودباوری» عبارت است از اعتقاد به احساسات و ادراکات برخاسته از دورن و «خودباور» به کسی گفته می‌شود که به خویشتن ایمان دارد و در مقابل، هیچ مقام یا قدرتی، خود را نمی‌بازد و همیشه به خود و آنچه به من واقعی او مربوط است، بها داده و در خود احساس نوعی برتری می‌کند (مه‌دوی نژاد، ۱۳۸۶: ص ۸۵).

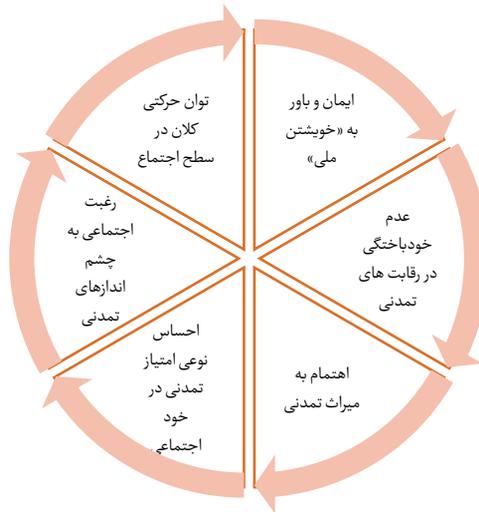
این نکته نیز افزودنی است که خودباوری تمدنی در مقیاس تمدنی مورد بحث و نظر قرار می‌گیرد. با این بیان، تعریف خودباوری تمدنی بر این قرار است:



خودباوری تمدنی، یعنی در راه ساختن یک تمدن، جامعه به خویشتن تمدنی خود ایمان داشته باشد و در مقابل سلطه تمدنی رقیب، خود را نیازد و همیشه به میراث تمدنی وطنش و آنچه به آن مربوط است، بها بدهد و در خود اجتماعی نوعی احساس برتری تمدنی کند.

فراموش نکنیم چیزی که «خودباوری تمدنی» را از «خودباوری» متمایز می‌کند، این است که فردیت فرد جای خود را به اجتماع و جامعه می‌دهد.

نمودار شاخصه‌های «خودباوری تمدنی»



«خودباختگی» وجه مقابل خودباوری است، نباید از نظر دور داشت که هر آنچه در خودباوری در جهت «رشد و پیشرفت جامعه» به کار گرفته می‌شود، در خودباختگی به منظور «ایستایی و سقوط جامعه» به کار گرفته می‌شود.



## نمودار تمایزهای «خودباختگی تمدنی» و «خودباوری تمدنی»



### ضرورت‌شناسی پژوهش

یکی از ضرورت‌های نظری تحقیق پیش‌رو، تدوین یک مدخل در زمینه خودباوری تمدنی و آموزه مهدویت است. نباید از نظر دور داشت که الگوی مطلوب کیفی برای پژوهش کیفی در این زمینه موجود نیست. از همه مهم‌تر این‌که با نوعی حصرگرایی روش‌شناختی در رویکرد به خودباوری مواجه هستیم. حصر توجه به دانش خاص و غفلت از سایر علوم و روی‌آوردها در تحلیل خودباوری، آسیب حصرگرایی روش‌شناختی<sup>۱</sup> است. کسی که سال‌ها با روی‌آورد روان‌شناختی به این مسئله نگریده در تحلیل آن همه پدیدارها را فقط از همین دیدگاه تحلیل می‌کند و از تحلیل‌های رایج در سایر دانش‌ها بی‌خبر و یا آن‌ها را منکر است و دیگر تحلیل‌های علمی را تفسیری ناقص یا ناروا می‌انگارد.<sup>۲</sup>

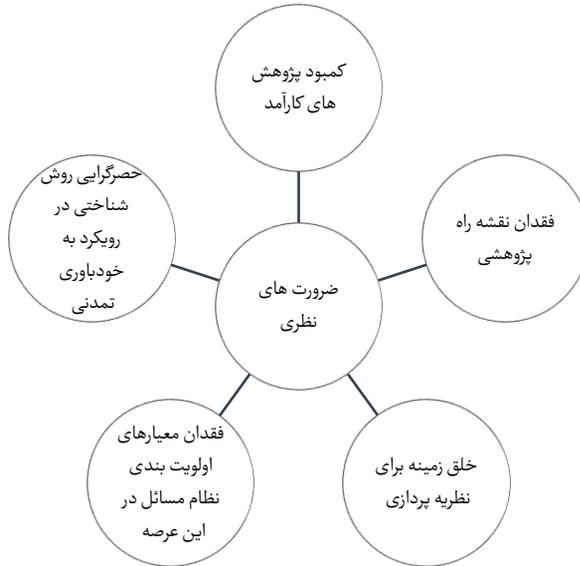
بنابراین، می‌توانیم ادعا کنیم که به رغم تلاش‌های تمدن‌شناسانه و مطالعات تمدنی که از سوی اندیشمندان صورت گرفته است؛ حوزه آورده‌های تمدنی در عرصه خودباوری همچنان از

#### 1. methodological exclusivism.

۲. مهم‌ترین آفت حصرگرایی، «خطای تحویلی‌نگری» است. مراد از «تحویلی‌نگری»، ارجاع یک پدیدار به امری فروتر از آن و اخذ وجهی از شیء به جای کنه و حقیقت آن است. به عبارتی حصرگرایی روشی در رویکرد به خودباوری، سبب می‌شود که ابعاد دیگر را انکار کند و به این ترتیب، چنین بیندازد که شیء، چیزی جز همان بعد مکشوف شده برای وی نیست (در این زمینه رک: فرامرز قراملکی، ۱۳۸۰: ص ۳۸۴).

حوزه‌های ناشناخته پژوهشی باقی مانده است. به‌رغم مطالعات پژوهشی فراوان در عرصه تمدن؛ هنوز ماهیت، ساحت‌های خودباوری تمدنی تصویر روشنی پیدا نکرده است. فقدان پژوهش‌های کیفی در این زمینه نشان‌بازری از این خلأ فکری در تفکر تمدنی ایران معاصر است.

نمودار ضرورت‌های نظری پژوهش در عرصه خودباوری تمدنی



### گونه‌شناسی عوامل دخیل در خودباوری تمدنی

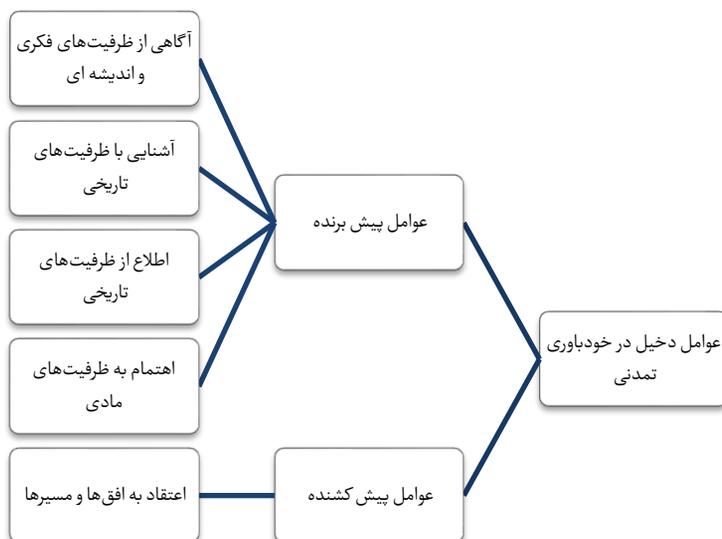
عوامل دخیل در خودباوری تمدنی را می‌توان به «پیش‌برنده» و «پیش‌کننده» تقسیم کرد. پیش‌برنده‌های خودباوری تمدنی در حقیقت همان اطلاع و آگاهی از «ظرفیت‌ها» و «داشته‌های تمدنی» هستند سبب می‌شوند که تمدن را به جلو ببرند. برای نمونه «اندیشه‌های متعالی»، «تاریخ پویا»، «میراث تمدنی»، «جغرافیای بی‌نظیر و راهبردی»، «نیروی انسانی کارآمد»؛ از جمله مواردی است که آگاهی از آن، به مثابه پیش‌برنده، سبب حرکت رو به جلو تمدن‌ها و خلق خودآگاهی تمدنی می‌شود.

نباید از نظر دور داشت که پیش‌کننده‌های تمدنی، همان «علت‌غایی» است که تاریخ ملت را به پیش می‌کشد. اهداف و آرمان‌ها از مهم‌ترین مصادیق پیش‌کننده‌های تمدنی هستند.

اندیشمندان حوزه آینده‌پژوهی<sup>۱</sup> بر این باورند که تصویرهای آینده، نظیر «آرمان‌ها، اهداف، مقاصد، امیدها، نگرانی‌ها، آرزوها به مثابه پیشران‌های اقدامات فعلی کشورها» برشمرده می‌شوند.

در مسئله زمینه‌های پیش‌کشنده (افق‌ها و مسیرها) برای این‌که بتوان از افق‌ها و مسیرها به مثابه زمینه‌های پیش‌کشنده خودباوری تمدنی استفاده کرد؛ باید در نظر داشت که حرکت به سوی آرمان‌ها از مسیر و معبر واقعیت‌ها می‌گذرد (روشن ضمیر، ۱۳۹۸: ص ۱۷۸).

نمودار عوامل دخیل در تحقق خودباوری تمدنی



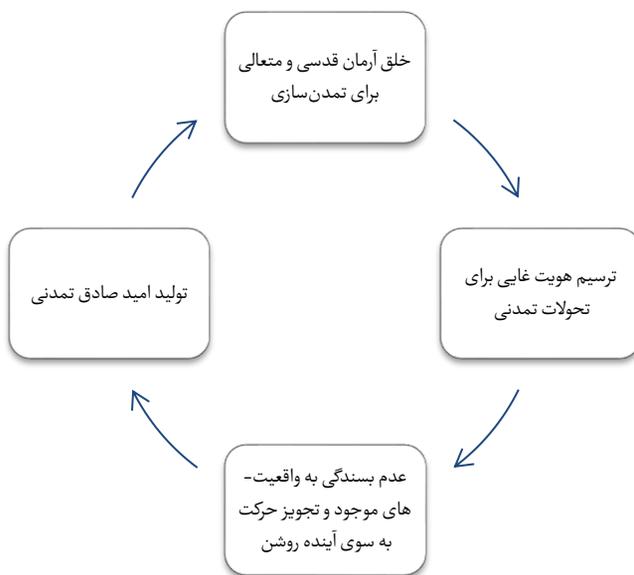
### یافته‌های تحقیق در نقش انتظار، به مثابه عامل پیش‌کشنده در عرصه خودباوری تمدنی

نباید از نظر دور داشت که آنچه در نهایت به یک تمدن نظم می‌بخشد و هویت واحد تمدنی

۱. «آینده‌پژوهی» (Future Studies)، «آینده‌شناسی» (Futurology) و «آینده‌نگاری» (Foresight)؛ اصطلاحات و واژه‌هایی هستند که کم و بیش در نوشته‌ها و رویکردهای علمی و پژوهشی دیده می‌شوند. در واقع، امروزه به رشته‌های علمی جدیدی که مطالعه منظم آینده است، «آینده‌پژوهی» می‌گویند (ر.ک: پرومیچیچ، ۱۳۸۷: ص ۱۱).

را سبب می‌شود؛ غایتی غیرمادی داشتن است. در توضیح این مهم باید افزود که غایات مادی به لحاظ تکثرخیز بودن عالم ماده هرگز نمی‌توانند وحدت‌ساز باشند. بنابراین، نباید از غایت‌اندیشی جمعی در تمدن (اهداف زندگی اجتماعی) و باور به آن، در ایجاد وفاق جامعه بر قدر مشترک تمدنی، غافل ماند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ص ۸۸). باورداشت آموزه مهدویت همان قدر مشترک تمدنی است که به لحاظ غیرمادی بودن بیش‌ترین نقش را در خلق خودآگاهی تمدنی ایفا می‌کند. انتظار با «خلق آرمان قدسی و متعالی برای تمدن‌سازی»، «ترسیم هویت غایی برای تحولات تمدنی»، «عدم بسندگی به واقعیت‌های موجود و تجویز حرکت به سوی آینده روشن» و «تولید امید صادق تمدنی»؛ برتحقق خودباوری در مقیاس تمدنی تأثیرگذار است.

نمودار ظرفیت‌های پیش‌کشنده انتظار در عرصه خودباوری تمدنی



### یک. خلق آرمان قدسی و متعالی برای تمدن‌سازی

برخی آرمان را آرزو و امید، آرزوی بزرگ و حسرت (عمید، ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۳۲) و برخی آن را نمونه‌های عالی، اندیشه‌های بلند و آرزوهای مقدس تعریف کرده‌اند (نامدار طالشانی، ۱۳۸۵: ص ۱۸۸). آرمان در این نوشتار بیش‌تر به جنبه اجتماعی آرمان توجه خواهد شد. آرمان

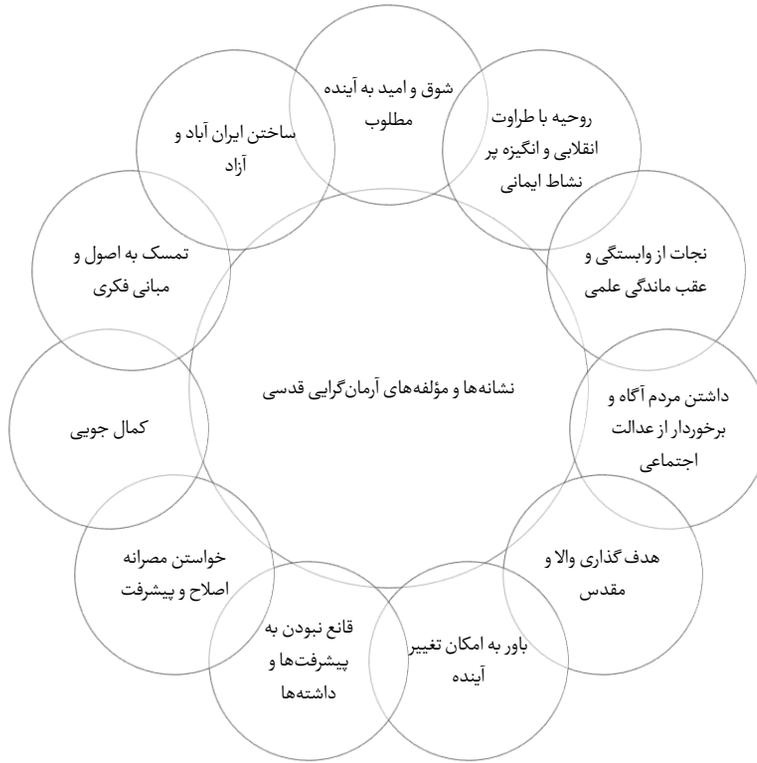


اجتماعی عبارت است از: ارزش‌های مشترکی که اعضای یک جهان اجتماعی خواهان رسیدن به آن‌ها هستند. آرمان اجتماعی در واقع تصور اعضای جهان اجتماعی از وضعیت مطلوب فرهنگ، سیاست، خانواده و ... است. آرمان‌های اجتماعی در ارزش‌ها متبلور می‌شوند. جهان‌های اجتماعی مختلف، آرمان‌های اجتماعی متفاوتی دارند؛ زیرا ارزش‌های جهان‌های اجتماعی با یکدیگر متفاوت هستند. به عنوان مثال، ممکن است آرمان اجتماعی جامعه‌ای عدالت و جامعه دیگر آزادی باشد. قلمرو آرمانی جهان اجتماعی عبارت است از: ارزش‌هایی که مردم از آن جانبداری می‌کنند و رعایت آن را لازم می‌دانند؛ اما در عمل ممکن است آن‌ها را نادیده بگیرند.

آنچه مسلم است گرایش به قله‌ها و آرمان‌ها در اسلام امری قطعی می‌باشد. بدون آرمان‌گرایی، انسان به آنچه هست، بسنده می‌کند و دچار دسترس‌گرایی می‌شود. فرد آرمان‌گرا به اهداف حقیر و خرد بسنده نمی‌کند و همواره در مسیر رسیدن به آرمان، حرکت و اقدام می‌کند. آرمان‌گرایی و حرکت، لوازم رسیدن به نقطه مطلوبند. آرمان بدون حرکت، سکون و حسرت را در پی خواهد داشت و حرکت بدون آرمان نیز انحراف و اتلاف را. همچنین حرکت، شرط امید به موفقیت است.



## نمودار نشانگان آرمان‌گرایی قدسی و متعالی



«آرمان‌گرایی»، وجه مقابل محافظه‌کاری است. حرکت، لازمه آرمان داشتن است. بر اساس پشتوانه اندیشه دینی آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران، ظرفیت آرمان‌های بلند و قدسی را در خود دارند. روشن است که آرمان، در جامعه آرمان‌گرای انقلابی غیر از آرمان در جامعه غربی خواهد بود. وجه افتراق این دو آرمان «دین اسلام» می‌باشد. بر همین اساس است که رهبر انقلاب، در تبیین این نکته که اساساً آرمان چیست، می‌فرماید: «رسیدن به جامعه عادل، جامعه آزاد، جامعه پیشرفته، جامعه مؤمن، جامعه متعبد، جامعه مرفه، جامعه قوی و مستحکم، جامعه مستقل، آرمان است. ارزش دارد انسان جانش را در راه این آرمان‌ها، برای رضای خدا

بدهد»<sup>۱</sup>.

هنگام مواجهه با واژه «آرمان»<sup>۲</sup> چیزی که به ذهن تداعی شود، در نظر داشتن اهداف عالی همراه با چشم پوشی از واقع باشد؛ در صورتی که واژه آرمان در بحث ما معنایی کامل تر و منطقی تر دارد، به گونه‌ای که از آن، دیگر برداشت غیر حقیقی و رؤیا پردازی نشود. بر این اساس، لازم است نسبت بین آرمان و ساختار یا به عبارت دیگر آرمان و واقع، بیش تر بررسی شود. در بحث همخوانی آرمان گرایی و واقع گرایی، این که کدام یک از ماتریالیسم‌های واقع بین (تقدم ماده بر شعور) و یا ایده آلیست‌های آرمان گرا (تقدم شعور بر ماده) مقدم هستند؛ جایی ندارد؛ چون در عوض این که آرمان و یا واقع را مقابل همدیگر قرار دهیم و در مقام تمسک یکی از این دو را برگزینیم، راه سومی را انتخاب می‌کنیم و آن «آرمان گرایی واقع بینانه است»<sup>۳</sup> (روشن ضمیر، ۱۳۹۸: ص ۱۷۸).

باید دقت نظر کافی داشت تا از آرمان گرایی برداشت رؤیاپردازی نشود. لذا تحقق آرمان‌ها

۱. برای این که بتوان در مورد زمینه‌های پیش‌کننده صحبت کرد، لازم است افق‌ها و مسیرهای انقلاب اسلامی ایران برای جامعه انقلابی مشخص باشد و این همان است که حضرت امام راحل بسیار نسبت به آن تأکید داشتند و آن احیای حکومت الله بود (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۲، ص ۱۵۶). حضرت امام خمینی مقصد انقلاب را اسلام می‌دانستند و بر این باور بودند که حتی اگر رژیم پهلوی به زیر کشیده شود؛ ولی احکام اسلامی تحقق نیابد، به مقصود خودشان نرسیده‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۸، ص ۴۲). حضرت امام خمینی به دنبال این بودند که به جهانیان نشان دهند مردم ایران بر اساس اسلام ناب محمدی توانستند چنین انقلابی را رقم بزنند. در واقع به تمام جهانیان مخابره کردند که این انقلاب غیر از انقلاب‌های دیگر جهان می‌باشد و چیزی که سبب تحول در ملت ایران و رقم زدن انقلاب بود، همان خدا باوری و خدامحوری در آموزش بود (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۲۱، ص ۲۴۰).

۲. بی‌تردید «آرمان شهر» یا همان اندیشه‌های «اتوپایی» یکی از صور فلسفی - اجتماعی این خواست بشری بوده و بسته به زمینه‌های فکری، اسطوره‌ای و فرهنگی هر جامعه، به هیئت خاصی خود را نشان داده است (کلباسی اشتری، ۱۳۸۹: ص ۱۷).

۳. در این راه، ساختار جامعه همسو با آرمان قرار می‌گیرد و دیگر بین آرمان و واقع تعارضی تصور نمی‌شود. در همین زمینه بد نیست گریزی به کلام حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر ایران داشته باشیم با این مضمون که ایشان آرمان گرایی را غیر از رؤیایگرایی می‌دانند و بر این باور هستند که بر اساس درس حضرت امام، نباید آرمان‌ها و آرزوهای عظیم اسلام از نظر دور بماند. در عین حال لازم است که واقعیت‌های جامعه و جهان مورد توجه قرار گیرد و اگر این واقعیت‌ها مورد توجه قرار نگیرد، نوعی خیال پردازی رخ خواهد داد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارکنان نظام، ۹۱/۵/۳).



نیازمند این است که واقعیت‌های موجود را به خوبی بررسی کنیم و بشناسیم. هر کدام از آرمان و واقع‌گرایی فراموش شود، مشکلات خود را در پی خواهد داشت؛ به این نحو که آرمان بدون واقع به شکست و عدم توفیق در هدف منجر خواهد شد. واقع بدون آرمان نیز انحراف از هدف را منجر خواهد شد؛ به گونه‌ای که امکان دارد در میانه راه، مسیر کاملاً منحرف شود. این طبیعی است که آرمان‌های قدسی همان اهداف عالی است که بر گرفته از اندیشه دینی می‌باشد. لذا ممکن است ساختار جامعه هدف، بر اساس واقع با آرمان همسو و زمینه‌ها و بسترهای لازم فراهم باشد و یا این که کاملاً با آرمان متضاد باشد و یا این که متضاد نباشد؛ اما در حدی نباشد که از ساختار آن جامعه انتظار می‌رود.

جامعه آرمان‌گرا، برای این که چشم‌انداز آرمانی مشخصی دارد، در هر کدام از این سه مورد لازم است ساختار موجود را بررسی کند و به گونه‌ای حرکت کند که هیچ کدام از این موارد منجر به فاصله گرفتن آرمان از ساختار منجر نشود؛ چون اگر چنین اتفاقی بیفتد یا انحراف از هدف اصلی و یا شکست در هدف را به دنبال خواهد داشت. در مسائل کلان سیاسی متعادل و همسو کردن آرمان و ساختار بسیار مشکل و طاقت فرسا می‌باشد، لذا به حکمتی ژرف و عمیق نیاز دارد.

در تفکیک انقلاب‌ها<sup>۱</sup> از لحاظ آرمان‌ها با سه‌گونه انقلاب مواجهیم:

**نخست:** انقلاب‌هایی که غالباً در کشورهای مارکسیستی رخ می‌دهد و آرمان عالی و اولیه آن‌ها نیل به جامعه‌ای بی‌طبقه است؛ جامعه‌ای که در آن، مساوات اقتصادی نمود کامل داشته باشد.

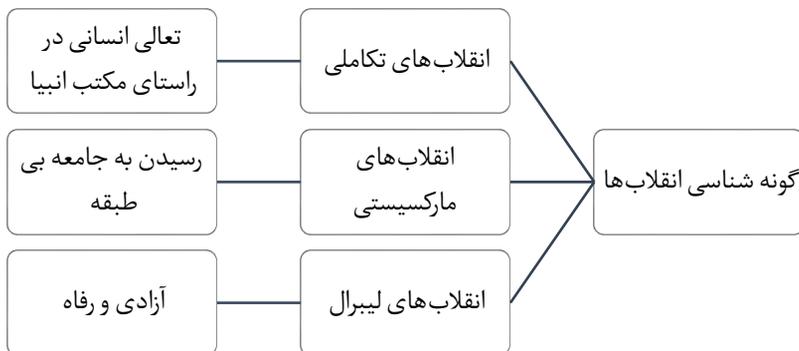
---

۱. اصطلاح «انقلاب» (Revolution) کاربردهای مختلف دارد؛ مانند انقلاب صنعتی، انقلاب سیاسی، انقلاب اجتماعی و انقلاب فکری؛ ولی بر انواع خاصی از واژگونی‌های بزرگ در جوامع بشری اطلاق می‌شود. هانا آرنست انقلاب را دگرگونی به معنای آغازی تازه می‌داند که خشونت در آن برای رهایی از ستمگری به قصد استقرار آزادی است (آرنست، ۱۳۶۱: ص ۴۷). تصاحب رسمی قدرت، جزء اجزای ضروری فرایند انقلاب است. در واقع، آنچه رخ می‌دهد، آن است که گروه حاکم توسط گروهی دیگر ساقط شده، راه را برای تحولات سیاسی و اجتماعی بیش‌تر باز می‌نماید. یا به گفته گلدستون، تسخیر غیر قانونی و معمولاً خشونت‌آمیز قدرت است که موجب تحول اساسی در نهادهای حکومت می‌شود (گلدستون، ۱۴۰۱: ص ۸۲). انقلاب در معمولی‌ترین معنا، تلاش برای ایجاد تحول بنیادین در سیستم حکومت است (لاکویر، ۱۳۷۸: ص ۹۱).

**دوم:** انقلاب‌هایی که تأسیس جامعه‌ای مبتنی بر آزادی فردی و رفاه شخصی را آرمان متعالی خود برگزیده‌اند. جوامع به اصطلاح لیبرال، چنین فرآیندی را پشت سر گذاشته‌اند.

**سوم:** انقلاب‌هایی که اصل را بر تربیت «انسان‌های الهی» گذارده‌اند؛ تأسیس جامعه‌ای خداپسند را آرمان عالی خود قرار داده‌اند. در این انقلاب‌ها فقط تأمین معاش دنیایی و آسایش عمومی ملاک نیست، بلکه غرض اصلی، به کارگیری این ابزار برای تحقق وضعیتی متعالی‌تر در جامعه است و آن، این که جامعه‌ای صالح و پاک ایجاد شود که افراد آن، بتوانند به تکامل معنوی خویش نایل آیند. انقلاب اسلامی ایران، داعیه آن دارد که انقلابی تکاملی است و تا رسیدن به اهداف انبیای الهی ادامه دارد.

نمودار گونه‌شناسی انقلاب‌ها از حیث آرمان

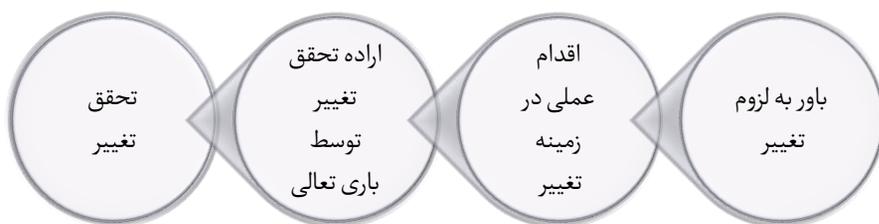


انقلاب اسلامی با تکیه بر الگوی «آرمان‌گرایی واقع بینانه» درصدد برآمد که پیوندی منطقی و واقع بینانه بین آرمان‌نگری و واقع بینی برقرار سازد. اهتمام به آرمان‌ها و در عین در نظر گرفتن واقعیت‌ها از رهگذر توجه به دو قاعده ممکن است: «قاعده وسع» و «قاعده تدرّج». قاعده وسع به معنای در نظرگرفتن توانایی‌ها و قاعده تدرّج به معنای مرحله‌بندی هدف‌ها براساس توانمندی‌های موجود و اقتضائات محیطی است (افتخاری، ۱۳۷۷: ص ۱۵۲).

آرمان‌های بلند جمهوری اسلامی ایران، چنان قوتی در نیروی انقلابی ایجاد می‌کند که توان مقابله با هر گونه مانع تراشی از سوی دشمن را در خود احساس می‌کند. در نگرش انقلابی، فرد فرد جامعه انقلابی بر این باور است که در صورتی می‌توان جامعه ایده‌آل داشت که اول از خود شروع کند و این را بر اساس یک سنت الهی می‌داند که در قرآن کریم به آن اشاره شده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾. واضح است که از بلندترین آرمان‌های این جامعه انقلابی امر ظهور و زمینه‌سازی برای تحقق ظهور حضرت حجت بن الحسن - سلام الله علیه - می‌باشد؛ جامعه انقلابی با توجه به این آرمان قدسی و بلند، تمام تلاش خود را به تحقق آن معطوف می‌کند.

نمودار فرایند تحقق تغییر در سطح اراده‌های اجتماعی



## دو. ترسیم هویت غایی برای تحولات تمدنی

از منظر جامعه انقلابی، آینده از آن صالحان است چون خداوند تحقق آن را در قرآن کریم پیش بینی کرده است و می‌فرماید: ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵). جامعه انقلابی تمام تلاش خود را تجمیع می‌کند که ساختاری بر اساس آرمان دینی خود، یعنی زمینه‌سازی برای ظهور فراهم کند. برای تحقق این امر گریزی از خودباوری تمدنی نیست. هنگام رویارویی آرمان و ساختار، برخی موارد آرمان آن‌چنان قوی و پر انرژی است که حتی اگر ساختار با او همسو نباشد دلیل به عمیق بودن و پر انرژی آرمان، در کم‌ترین زمان، ساختار مجبور خواهد شد به سمت آرمان حرکت کند و خود را با آن وفق دهد و این پیروزی و غلبه آرمان بر ساختار، خود را در واقع کربلا به خوبی نشان داد؛ به گونه‌ای که حتی مسیر تاریخ را تغییر داد. مسئله ظهور هم، چنین توان و قدرتی دارد که ساختار را با خود وفق دهد. می‌توان به این نتیجه رسید که اگر بخواهی در کم‌ترین زمان ممکن به جامعه آرمانی برسی، لازم است از آرمانی استفاده کنی که عقبه و قدرت قابل توجهی داشته باشد و بتواند ساختار جامعه و محدوده خود

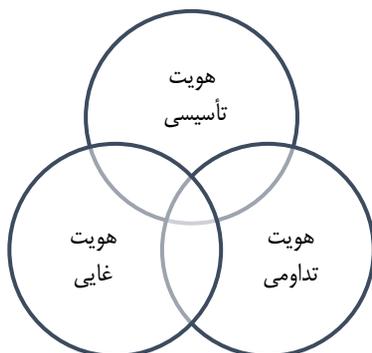


و حتی فرا محدوده خود را با خود همسو کند و آن را به دنبال خود بکشد. در طول تاریخ، انگیزه‌های آرمانی مانند انتظار، از بیش‌ترین توان و انرژی برخوردار بودند و جوامع توانستند با این اندیشه محرک، نیروی محرکه ساختار منفعل خود را به کار بیندازند و لحظه به لحظه بر توان و قدرت آن بیفزایند. به عنوان مثال، می‌توان به منتظر بودن قوم بنی اسرائیل اشاره کرد، به گونه‌ای که این انتظار توان و قدرت آن‌ها را به صورت قابل توجهی افزایش داد. حضرت محمد ﷺ در این زمینه فرمودند که حضرت یوسف موقعی که در بستر مرگ بودند قوم خود را به صبر در برابر مشکلات سفارش کردند و به آن‌ها ظهور پیامبر خود، حضرت موسی را بعد از ۴۰۰ سال مژده دادند (بحرانی، ۱۳۷۴: ج ۴، ص ۷۵۶). قوم بنی اسرائیل بر اساس سنت انتظار توانستند مشکلات پیش روی خود را پشت سر بگذارند و این نبود، مگر توان و قدرت آرمان قدسی انتظار. حال وقتی دین و مذهب ملت انقلابی ایران اسلامی از چنین ظرفیتی برخوردار است، چرا از این نیرو برای افزایش اعتماد به نفس و خودباوری تمدنی خود استفاده نکند. مسئله خودباوری تمدنی می‌توانیم در عوض این‌که حرکتی کند و ضعیفی در نهادینه کردن روحیه خودباوری در سطح ملی داشته باشیم، از چنین ظرفیت‌هایی برای افزایش هویت یابی و باور به توان ملی استفاده کنیم.

همه ابعاد و مؤلفه‌های آینده‌نگری در آموزه مهدویت وجود دارد: هم تفسیر کلان از حیات معقول بشری است؛ هم تصویر و ترسیم روشنی از وضعیت‌های مختلف (و در نهایت وضعیت حتمی) و هم راه و نظام رسیدن به آن. گزاره‌های آموزه مهدویت در باب آینده، بیش از آن‌که بر شناختن تأکید داشته باشد بر ساختن و برنامه‌ریزی برای آن دلالت دارد (عرفان، ۱۳۹۳: ص ۱۸۸).

انقلاب اسلامی در جایگاه حرکتی هدف‌دار اجتماعی برای ایجاد، تداوم و سامان‌یابی نهایی، نیازمند هویت بوده، مفهوم کلی هویت در سه بعد تأسیسی، تداومی و غایتی در برپایی و بقای انقلاب اسلامی ظهور یافته است. نهضت عاشورا در جایگاه منبع تغذیه و تأمین محتوای هویت تأسیسی و تداومی انقلاب اسلامی و زمینه‌سازی و تشکیل جامعه منتظر پیش از ظهور، شکل دهنده و منبع هویت غایی انقلاب اسلامی برگزیده شده است.

## نمودار هویت‌های دخیل در پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی



آموزه ظهور منجی یکی از آموزه‌های مشترک و فراگیر ادیان آسمانی و تحقق بخش آرمان دیرپای بشری، برای زندگی در یک مدینه فاضله است. هر چند چنین آرمانی تاکنون محقق نشده است؛ مؤمنان به منظور تحقق تعالیم پیامبران خود، همواره چشم به راه آن بوده‌اند. با وجود آن‌که تحقق چنین جامعه‌ای طول کشیده، اما این آموزه از آرمان‌های تغییر نیافته و پایدار انسان طی قرن‌ها، و از مسلمات اعتقادی مشترک ادیان مختلف آسمانی بوده است؛ زیرا پیامبران گذشته در میان امت‌های خویش از اصلاح اساسی جامعه بشری و اجرای عدالت همگانی سخن می‌گفتند و ظهور مصلح بزرگ را به پیروان خود بشارت می‌دادند. از آن‌جا که بشر براساس فطرت خویش، به دنبال تحقق عدالت عمومی است تا همه گروه‌های جامعه از ستمگری، استبداد و محرومیت رها گردند؛ حالت انتظار در همه افراد بشری وجود دارد. تا جایی که اعتقاد به حتمی بودن ظهور موعود نجات بخش جهان، در مکاتب مادی نیز وجود داشته و عقیده به ظهور چنین موعودی بیش از هر عقیده دیگری افکار عمومی بشر را به سوی خود جلب کرده است. در همین زمینه آیت‌الله آصفی بیان کرده‌اند: «مسئله انتظار از محدوده دین فراتر رفته و مذاهب و رویکردهای غیر دینی نظیر مارکسیسم را نیز شامل شده است»؛ چنان‌که برتراند راسل گفته است: «انتظار، تنها به ادیان تعلق ندارد، بلکه سایر مکاتب و مذاهب نیز ظهور نجات بخشی که عدل را بگستراند و عدالت را تحقق بخشد، انتظار می‌کشند» (آصفی، ۱۳۸۱: ص ۹۷). با توجه به آنچه گفته شد، همان‌طور که اشاره شد؛ مهم‌ترین آرمان قدسی انقلاب اسلامی ایران زمینه سازی ظهور می‌باشد.



## سه. عدم بسندگی به واقعیت‌های موجود و تجویز حرکت به سوی آینده روشن

آموزه انتظار در دورنمای خود، چهار ویژگی مهم دارد:

نخست، عدم بسندگی به واقعیت‌های موجود؛ دوم، وجود واقعیتی متعالی و برین در فراسوی افق و واقعیت‌های موجود؛ سوم، امکان حرکت انسان‌ها از واقعیت‌های موجود به سوی واقعیت برین؛ چهارم، تأکید بر تکاپو و جست‌وجوی انسان‌ها برای یافتن ابزارهایی که واقعیت موجود را به سوی آینده روشن سوق می‌دهد. در این نگرش، فاصله زمانی طی مسیر از وضع موجود به وضع آرمانی و مطلوب، چندان در خور اهمیت تلقی نمی‌شود.

نمودار سازه معنایی انتظار از نگرگاه تمدن‌گرایان



آرمان قدسی زمینه‌سازی ظهور «تقابل با طفره‌روی تمدنی» را به ارمغان می‌آورد.<sup>۱</sup> این امر را

۱. «ظهور»، گرچه رخدادی فوق‌العاده و بی‌نظیر تاریخ محسوب می‌شود؛ ولی هرگز پدیده‌ای فرا طبیعی و بریده از اوضاع جاری در این عالم نیست، بلکه رخداد ظهور برای برپایی نظام عدل و تحقق حاکمیت همه‌جانبه دین اسلام، حادثه‌ای طبیعی مربوط به جامعه انسانی، برای سامان دادن به اوضاع و چگونگی زندگی است. بدیهی است چنین رخدادی همانند دیگر رخدادهای طبیعی، مقدمات و بسترهای خاص خود را می‌طلبد که بدون آن، تحقق چنین تحول عظیمی، امری ناممکن و انتظاری نامعقول است. اگر نهضت و انقلابی از نظر مکتب و ایدئولوژی دارای حدّ‌اعلای توانایی باشد؛

می‌بایست در سازه‌معنایی انتظار جست‌وجو کرد. انتظار چهار الزام را به دنبال خواهد داشت: نخست، عدم بسندگی به واقعیت‌های موجود تمدنی (شکایت تمدنی از وضع موجود)؛ دوم، وجود تمدنی متعالی و برین در فراسوی افق و وضعیت موجود (رغبت به افق تمدنی)؛ سوم، امکان حرکت انسان‌ها از واقعیت‌های موجود به سوی واقعیت برین؛ چهارم، تأکید بر تکاپو و جست‌وجوی انسان‌ها برای یافتن ابزارهایی که واقعیت تمدنی موجود را به سوی آینده روشن سوق می‌دهد (استعانت تمدنی). در این نگرش، فاصله زمانی طی مسیر از وضع موجود به وضع آرمانی و مطلوب، چندان در خور اهمیت تلقی نمی‌شود.

نتیجه چنین رویکردی، توجه به چالش‌ها و کاستی‌ها در عرصه اجتماع و تلاش برای حل آن‌ها می‌باشد. انتظار در رویکرد تمدنی به زمینه‌سازی تعریف می‌شود و در این نگرش پدیده «طرفه‌روی تمدنی» به شدت رد می‌شود.

نمودار فرایند تقابل با «طرفه‌روی تمدنی» در سازه معنایی انتظار



پیوند ناگسستنی انقلاب اسلامی ایران و انتظار فرج در قاموس انقلاب امری است کاملاً روشن و واضح. امام خمینی با وقوف بر رسالت خطیر و الهی خود، هدف نهایی انقلاب اسلامی را امری فراتر از تغییر حکومت و مسائل اقتصادی؛ یعنی زمینه‌سازی انقلاب جهانی اسلام و فراهم آوردن مقدمات ظهور منجی عالم حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الیوم دانسته و بر این اساس، به هدایت و رهبری

ولی از نظر نیروی اجرایی و پذیرش‌های اجتماعی کامل نباشد؛ طبیعی است که انقلاب و نهضتی موقت است و به نتیجه عمیق نمی‌رسد (صدر، ۱۳۸۴: ص ۶۴).

انقلاب اسلامی و تحولات ناشی از آن اقدام کرده‌اند. ایشان در ماه‌های آخر عمر پربرکت خویش، به صراحت در این زمینه اظهار کرده‌اند:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت می‌باشد که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهاد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار داد ... باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید؛ ولی این به آن معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب، که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۲۱، ص ۳۲۷).

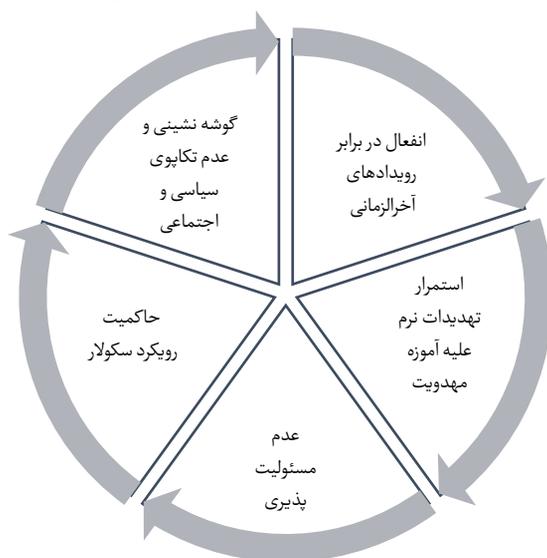
عصری که انقلاب اسلامی ایران آغازگر آن شد، همان عصری است که انتظار می‌رود بشارت ظهور منجی عالم بشریت را به دنبال داشته باشد. امام خمینی درباره این عصر بر این باور است که انقلاب در حال گسترش است و وعده خداوند را نزدیک و نزدیک‌تر می‌کند؛ لذا حضرت امام می‌فرماید: «گویا جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان» (همان، ۱۳۷۹: ج ۲۱، ص ۱۰۷).

نباید از نظر دور داشت که تصویر یا ترسیم کیفی و کامل از دستگاہ و نظام آرمانی جامعه شیعی می‌تواند در زمانی که گفتمان رقیب به شدت در حال اشباع جهان به تصویر و ترسیم‌سازی جامعه آرمانی خود است؛ ما را در یک حالت کنش‌گرانه فرو برد و از تدافع به تفوق فرهنگی بکشاند و از منفعل بودن به فعال بودن سوق بدهد. این مهم در ستیزش با «خوانش حدافلّی از انتظار منجی» نیز به کار می‌آید. آسیب‌های رواج «انتظار حدافلّی» پیش از این‌ها و

۱. تفسیر «انتظار» به «آمادگی فردی» در گستره تاریخ شیعی تا قبل پیروزی انقلاب اسلامی از مهم‌ترین شاخصه‌ها در رویکرد به آموزه مهدویت و گفتمان انتظار بوده است. یکی از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب اسلامی، نقش آن در پیدایی و پایایی جریان فکری و شفاف‌سازی گفتمان‌های اجتماعی در عرصه اندیشه اسلامی است. بازشناسی این جریان‌های فکری در رویکرد به گفتمان انتظار، بستر مناسبی برای فهم بهتر پرسش‌های بنیادین در این عرصه است. برای نمونه برخی نتوانستند میان «انقلاب اسلامی» و «جامعه موعود مفروض ذهنی» نسبت منطقی برقرار کنند بدان معنا که گویا آرمان شهر وصف شده در آیات و روایات آخرالزمانی را بی‌کم و کاست در سال‌های حیات جمهوری اسلامی جست‌وجو می‌کردند به تعبیری آنان، رسالت انقلاب را تحقق تام و تمام جامعه موعود و بهشت زمینی تصور کرده‌اند و حالا که چنین

در مقاطع مختلف ظهور و بروز داشته؛ اما در این برهه، قطعاً این آسیب‌ها، مخرب‌تر و ویرانگرتر خواهد بود. «انفعال در برابر رویدادهای آخرالزمانی»، «استمرار تهدیدات نرم علیه آموزه مهدویت»، «عدم مسئولیت‌پذیری»، «گوشه‌نشینی و عدم تکاپوی سیاسی و اجتماعی»، «حاکمیت رویکرد سکولار در جامعه» و... پیامدهایی است که ترویج «انتظار حداقلی» به دنبال خواهد داشت. مشروعیت بخشیدن به «انتظار حداقلی» همان مهیا شدن مقدمات شکل‌گیری جامعه‌ای سکولار است.

#### نمودار آسیب‌های ترویج «انتظار حداقلی»



در پایان گفتنی است که اهمیت خودباوری تمدنی از آن جنبه است که دستیابی به آرمان‌های مورد نظر انقلاب اسلامی در سطح کلان اجتماعی، تنها در پرتو عزم جمعی و خودباوری تمدنی محقق خواهد شد و این مسئله را تاریخ به وضوح نشان داده است. هنگامی که ملتی به توانایی‌های خود، باور داشته باشد، افق‌های افتخار را پیموده است و در

نشده است، ضمن رد تفکر انقلابی نگرش حداقلی به گفتمان انتظار را نشانه می‌گیرند و هرگونه تفسیری از انتظار را که به تشکیل حکومت یا زمینه‌سازی ظهور منجر باشد؛ منکر می‌شوند.

مقابل، با عکس شدن این باور نزد ملت، جامعه در سراسییبی ضعف و حتی اضمحلال قرار گرفته است.

### چهار. تولید امید صادق تمدنی

«امید» در روانشناسی عبارت است از حالتی شناختی، انگیزشی مثبت و موفقیت آمیز از تعامل بین الف) احساس اراده ( انرژی هدفمند) و ب) راهیابی به زندگی هدفمند. اساس نظریه امید در روانشناسی اجتماعی اهمیت و ضرورت اهداف عنوان شده است. در واقع، «هدف»، مؤلفه کلیدی نظریه امید است؛ زیرا به تقریب تمامی آنچه که فرد انجام می‌دهد، بر پایه رسیدن به هدف است (جابر، ۱۳۹۰: ص ۲۱۴).

این نکته را باید به یاد داشته باشیم که امید را می‌توان انتظار همراه با اطمینان قلب به وقوع آنچه محبوب و خواستنی است، دانست. امید به آینده، با فلسفه زندگی رابطه دارد؛ و از این رو با معنویت پیوند می‌خورد (همان، ص ۲۰).

«امید اجتماعی»، یکی از مؤلفه‌های حائز اهمیت در جامعه به شمار می‌آید که نبود آن، ناهنجاری‌های مربوط به خود را در جامعه به دنبال خواهد داشت و در مقابل، بالا بودن این امید، پویایی و سرزنده بودن جامعه را به دنبال خواهد داشت، و این خود، زمینه‌ساز تحولات اجتماعی مثبت در سطح جامعه خواهد بود. در جنگ اندیشه‌ای امروز بین حق و باطل، استعمار با استفاده از تمام ابزار خود به خصوص ابزار رسانه، سعی در ناامید کردن جامعه انقلابی دارد و این چنین است که اهمیت امید در سطح کلان اجتماعی بسیار مهم است.

روشن و واضح است که؛ امت انقلابی برای حرکت در مسیر و رسیدن به هدف متعالی، به امید نیاز دارد. جامعه انقلابی، بر اثر اعتقاد دینی خود، هرگز اجازه نخواهد داد ناامیدی به سراغش آید و او را از ادامه راه در مسیر تحقق آرمان قدسی خود متوقف کند. بر همین مبنا، پیامبران

۱. از دیدگاه قرآن، امید ریشه یأس و ناامیدی را که آفت جان انسان‌هاست، می‌سوزاند (عنکبوت: ۲۹) و آسودگی خاطر و راحتی را در برخورد با مشکلات دنیوی برای مؤمنان به ارمغان می‌آورد (بقره: ۲۲۳). در قرآن آیات زیادی وجود دارد که مژده امید به رحمت و لطف الهی را می‌رساند؛ آیاتی چون <قُلْ يٰعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ> (زمر: ۵۳).

الاهی تلاش می‌کردند که روحیه امید را در مخاطبان خود زنده نگه دارند: <وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَقَوْمِ آبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْأَخْرَجَ > (عنکبوت: ۳۶).

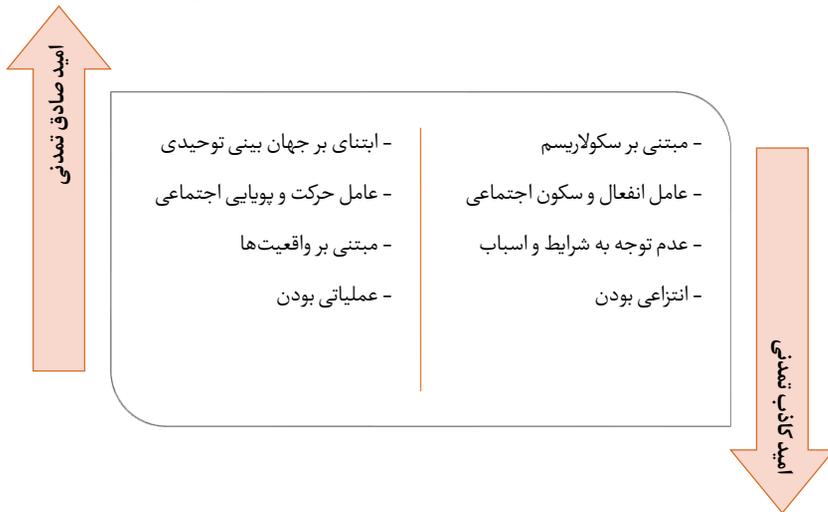
امید را می‌توان به «امیدصادق» و «امیدکاذب» و «امیدمطلوب» و «امیدنامطلوب» تقسیم کرد. امید صادق و حقیقی به اموری مربوط است که در جهت رضایت الاهی و هماهنگی با واقعیت وجودی انسان انقلابی باشد. با توجه به قرآن کریم این نوع از امید را می‌توان بر دو گونه «امید عمومی» و «امید آرمانی» مطرح کرد که در اولی، جامعه تمدنی مؤمن، نسبت به آخرت و رحمت الاهی امید دارد<sup>۱</sup> و در نوع دومی، جامعه تمدنی مؤمن امید دارد که به جامعه آرمانی مطلوب دست پیدا کند.<sup>۲</sup> با توجه به امید صادق و حقیقی، امید کاذب و مجازی قابل تشخیص خواهد بود، و آن، امیدی است که جامعه تمدنی غیر مؤمن رضایت الاهی را مورد نظر خود ندارد؛ مزید بر این که این نوع از امید حاصل القائنات شیطانی و نفسانی می‌باشد (جابر، ۱۳۹۰: ص ۲۳۵). همان‌طور که قرآن کریم از آن‌ها به آرزوهای دراز و پوچ و واهی تعبیر کرده است: «لَأْمَيِّتِيَهُمْ» (نساء: ۱۱۹). در واقع اگر امید از ناحیه خداوند متعال و اولیاء الله القا شود امید صادق و حقیقی و اگر از ناحیه شیطان باشد، امید کاذب و مجازی خواهد بود (محققیان و پرچم، ۱۳۹۰: ص ۹۳). از جهت جهان بینی توحید محور، امید صادق رحمتی است از جانب خداوند متعال که حرکت و پویایی جامعه را به ارمغان می‌آورد. با این بیان می‌توان نتیجه گرفت، انحراف‌ها در عرصه خودباوری تمدنی در امید کاذب و در مقابل پویایی و قوام در عرصه خودباوری تمدنی در امید صادق حقیقی تمدنی ریشه دارد.



۱. «لَا تَأَيَّسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأَيَّسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف: ۸۷).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي أَنْتَظَرُ فَرَجَ اللَّهِ» (صدوق، ۱۳۹۳: ج ۲، ص ۳).

نمودار تمایزهای «امید صادق تمدنی» و «امید کاذب تمدنی»



امید صادق، با تقویت انگیزه و روحیه نشاط و شادابی، جامعه انقلابی را آماده می‌کند که برای تحقق و پویایی خودباوری تمدنی خود تلاش کند و بتواند در مسیر انقلاب به اهداف آرمانی قدسی خودباوری برسد. پویایی خودباوری تمدنی و انتظار، هر دو با امید صادق رابطه مستقیم دارند؛ زیرا انتظار که رکن اصلی آرمان‌های قدسی جامعه انقلابی را تشکیل می‌دهد، توان و قدرت رویش و قوام بخشی خودباوری الهی را در مسیر تمدن نوین اسلامی دارا است. این گونه امید که در باورهای الهی ریشه دارد، توان و ظرفیت رشد و شکوفایی در سطح بین‌المللی را نیز دارد به گونه‌ای که جامعه امیدوار به خاطر امیدی که در اندیشه خود دارد، بر اثر تلاش دائم و مستمر خویش امید حقیقی و صادق خود را به سایر ملت‌های مظلوم جهان می‌رساند، تا این که ان شاء الله زمینه ساز ظهور منجی عالم خواهد شد.

به صورت کلی امید صادق تمدنی «هدفمند» «حرکت‌آفرین و مولد انتظار» و «ملازم با اعتماد» است. امید صادق است که از احساس پوچی، سستی و رکود جلوگیری می‌کند و با تقویت انگیزه و نشاط آفرینی، محیا شدن برای ظهور در تک تک افراد جامعه‌ای تمدنی آرمانی را تسهیل می‌کند (منصوری، ۱۳۹۹: ص ۲۱۳).

امید دهی صادق تمدنی اگر در سطح کلان صورت بگیرد و جامعه انقلابی کاملاً با آن مانوس

شود، به طور طبیعی انگیزه‌سازی جمعی را به دنبال خواهد آورد. در واقع موتور محرکه انگیزه‌سازی جمعی، امید صادق تمدنی می‌باشد. می‌توان ماحصل امید را، تقویت روحیه و ایجاد انگیزه جمعی برای تحقق جامعه آرمانی دانست.

رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، کلید اساسی همه مشکلات را امید صادق و خوش بین بودن به آینده می‌داند و البته تأکید دارند که امید از نوع امید کاذب نباشد بلکه بر اساس واقعیت‌های پیش‌روی جامعه صورت گیرد.<sup>۱</sup>

جامعه انقلابی ایران برای این‌که اهداف خود را پیگیر باشد به امید همراه با انگیزه‌سازی جمعی نیاز دارد. نقش «تبیین» در امید دهی صادق تمدنی بسیار کلیدی و مفید می‌باشد؛ به گونه‌ای که رهبر انقلاب از آن به «جهاد تبیین» تعبیر می‌کنند و به حدی این مسئله را مهم می‌داند که آن را فریضه‌ای الهی عنوان می‌کنند (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۳۹۰/۱۱/۱۹). اهمیت تبیین و این‌که در هدایت جامعه به سمت هدف چه نقشی دارد، مشخص است و این اهمیت حتی در نگاه دینی روشن و واضح است؛ به

---

۱. توصیه من، امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جست‌ام؛ اما خود و همه را از نومی‌دی بی‌جا و ترس کاذب نیز بر حذر داشته‌ام و بر حذر می‌دارم. در طول این چهل سال و اکنون، مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌های دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیشگام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این، نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شماسست. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آن‌ها اشاره شد. در برابر چشم شماسست. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌هاست و دست و دل‌های امین و خدمتگزار، به مراتب بیش‌تر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱).



گونه‌ای که خداوند متعال علت نزول قرآن را حول همین محور می‌داند و می‌فرماید: **هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ** < (آل عمران: ۱۳۸).

حال اگر این تبیین از جانب شخصیتی باشد که در نگرش کلان جامعه، این شخص دارای مقام و جایگاه معنوی باشد و جامعه با نگرشی کارزمایی از او یاد کند، اثری که بر جامعه هدف خواهد گذاشت، بسیار پررنگ‌تر از این است که تبیین از سوی افراد عادی جامعه صورت پذیرد. با این بیان، دو عامل در کنار هم زمینه امید افزایی و انگیزه‌سازی جمعی در سطح جامعه را افزایش خواهد داد: اول این‌که، وجود رهبری تحول‌گرا و حکیم که در سطح جامعه دارای محبوبیت و مقبولیت قابل توجه باشد؛ دوم تبیین اهمیت امید صادق تمدنی در جهت تهییج جامعه برای امیدوار شدن به آینده انقلاب و ایجاد انگیزه جمعی مطابق با هدف انقلاب اسلامی ایران. حال با این فرض که رهبر انقلاب به این مسئله آگاه می‌باشند، در بیانیه گام دوم بر این مسئله (امیددهی صادق تمدنی) تأکید می‌کنند و آن را از لوازم اصلی و کلیدی انقلاب می‌دانند. با این تصور، انگیزه‌سازی جامعه انقلابی به سبب وجود دو عامل مطرح شده مضاعف خواهد شد.

در همین زمینه رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، امید اجتماعی را، نخستین و مهم‌ترین اقدام در تحقق گام دوم انقلاب دانستند. امید اجتماعی است که ثبات سیاسی و امنیتی را به دنبال خواهد داشت. با امید دهی تمدنی می‌توان جامعه‌ای امن را تصور کرد و این چنین است که این امید اجتماعی جایگاه امنیتی پیدا می‌کند؛ چون با امنیت جامعه رابطه مستقیم خواهد داشت.

پر واضح است که «امید» در جامعه انقلابی شور و اشتیاق حرکت به سمت هدف را تقویت می‌کند و آن را می‌توان نیروی محرکه قوی برای پیشبرد اهداف به حساب آورد. امید و امیدواری در جامعه نوعی باور مثبت به آینده، با توجه به توانایی‌ها و امکانات ایجاد می‌کند و فرد را وامی‌دارد که برای تحقق هدف مورد نظرش تلاش مفید و سازنده‌ای داشته باشد (یوسفی، ۱۴۰۳: ص ۳۸۷). امید اجتماعی ممکن است در هر قالبی حاصل شود (چه جامعه دینی باشد و چه جامعه غیر دینی)؛ اما وقتی امید در جامعه دینی بر اساس اندیشه و اعتقاد دینی حاصل شود، از توان و قدرت بالاتری نسبت با جامعه رقیب برخوردار است؛ چون با باور و اعتقاد جامعه رابطه

عمیق دارد؛ لذا برای تحقق امید صادق تمدنی با توان بسیار بالا از آرمان‌های قدسی می‌توان استفاده کرد. با این بیان می‌توان نتیجه گرفت که تمام این واژه‌ها در طول یکدیگر هستند و وقتی هر کدام را بتوانیم در جایگاه خود جایی بدهیم و درست از آن‌ها استفاده کنیم؛ آن‌گاه به جرأت می‌توانیم ادعا کنیم که؛ زمینه‌های خودباوری تمدنی در جهت اهداف انقلاب را فراهم کردیم.

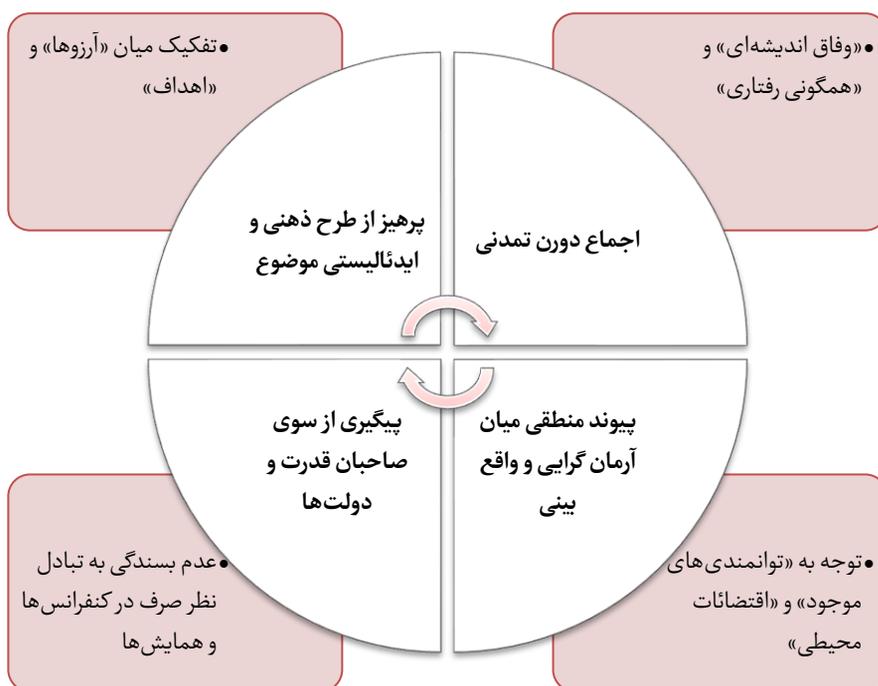
ناگزیر باید این نکته را تبیین کرد: امیدی که سبب تولید نیروی محرکه برای پیشبرد اهداف نباشد، مقصود و هدف نمی‌باشد؛ لذا وقتی می‌توان از امید و امیدواری جمعی صحبت کرد که در افراد جامعه هدف، انگیزه‌سازی جمعی را به دنبال داشته باشد.

### نتیجه‌گیری

آن‌چه بیش‌تر مورد تأکید این پژوهش است، این‌که خودباوری تمدنی باید از سوی سازمان‌ها و مراکز دولتی و صاحبان قدرت پیگیری شود. واقعیت این است که خودباوری تمدنی، تنها از طریق تبادل نظر در کنفرانس‌های علمی و نشست‌ها امکان‌پذیر نیست. در واقع، این دولت‌ها هستند که می‌توانند با درک درست از واقعیت‌های جهان امروز به راهکارهای عملی‌تر برای برداشتن گام‌های اولیه در راه خودباوری تمدنی کمک کنند. چنین می‌نماید که باید به یک «اجماع درون تمدنی» بر موضوع «خودباوری تمدنی» دست یافت. یعنی تمامی نخبگان فکری تأثیرگذار ایران اسلامی این اصل را به رسمیت بشناسند که تحقق تمدن نوین اسلامی بدون توجه به خودباوری ناممکن است. «وفاق اندیشه‌ای» و «همگونی رفتاری» از مهم‌ترین برون‌دادهای اجماع درون تمدنی بر این موضوع است.



## فرایند پویایی فرهنگ خودباوری در تراز تمدن اسلامی



در پایان می‌سزد مسائل قابل تأمل در پیوندهای دوسویه میان خودباوری تمدنی و آموزه مهدویت به علاقه‌مندان کاوش در این زمینه ارائه شود. امید داریم که در روزگاری نه چندان دور، سرانجام در بررسی‌های دیگر محققان ابعاد دیگر این مسئله را محققانه و از چشم اندازه‌های گوناگون مورد مذاقه دهند.



ردیف	عنوان
۱	نقش مهندسی خودباوری تمدنی در تقویت کیفی فرهنگ انتظار در جهان اسلام
۲	بررسی تمدنی نقش خودباوری ملی در صیانت از فرهنگ انتظار
۳	الزامات و بایسته‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در عرصه انتظار زمینه‌ساز
۴	تبیین کارکردشناسانه نقش بصیرت تاریخی در کاربست انتظار زمینه‌ساز
۵	نقش خودباوری تمدنی در رویکرد به انتظار در منظومه فکری امام خمینی

ردیف	عنوان
۶	نقش انتظار زمینه‌ساز بر ادراک عقلانیت تمدنی در عرصه خودباوری
۷	نمودشناسی فرهنگ خودتحقیری در جذب‌شدگان به مدعیان دورغین مهدویت
۸	نقش خودباوری تمدنی در رویکرد به انتظار در منظومه فکری امام خامنه‌ای
۹	نقش خودباوری در خوانش تمدنی از انتظار در جهان اسلام
۱۰	نمودشناسی تاریخی نقش خودباوری تمدنی در رویگرد به آموزه مهدویت



قرآن کریم

۱. افتخاری، اصغر (بهار ۱۳۷۷). *آرمان‌های انقلاب از دیدگاه امام خمینی (ره)*، اندیشه حوزه، شماره ۱۲.
۲. آرنت، هانا (۱۳۶۱). *انقلاب*، مترجم: عزت‌الله فولادوند، تهران، خوارزمی.
۳. آصفی، محمدمهدی (زمستان ۱۳۸۱). *انتظار پویا*، مترجم: تقی متقی، فصلنامه انتظار موعود، سال دوم، شماره ۶.
۴. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴). *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه بعثه.
۵. پرومیچیچ (۱۳۸۷). *آینده‌پژوهی و مدیریت آینده*، مترجم: عبادالله حیدری، تهران، مرکز آینده‌پژوهی و اطلاع‌رسانی.
۶. حاضری، علی محمد و علیخانی، علی اکبر (۱۳۷۷). *خودباوری و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۷. جابر، علیرضا (زمستان ۱۳۹۰). *مفهوم امید و آرزو در قرآن و حدیث با نگاهی به روانشناسی*، کاوش‌های فلسفه و دین، شماره ۶.
۸. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸). *جستاری نظری در باب تمدن*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰). *فرهنگ عمومی، اعتماد به نفس ملی و انقلاب اسلامی*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۰. حاجتی، میر احمدرضا (۱۳۹۳). *عصر امام خمینی قدس سره*، قم، بوستان کتاب.
۱۱. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). *صحیفه نور*، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۴. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸). *بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل*، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۱۵. روشن ضمیر، محمد ابراهیم، عربی آیسک، علی (بهار ۱۳۹۸). *آرمان‌گرایی در عین واقع‌گرایی از منظر قرآن*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲۹.
۱۶. شرفی، محمدرضا (۱۳۷۹). *جوان و بحران هویت*، تهران، انتشارات سروش.
۱۷. صدر، سید محمدباقر (۱۳۸۴). *انقلاب مهدی و پندارها*، مترجم: سید احمد علم‌الهدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. صدوق، محمدبن علی (۱۳۹۳). *عیون اخبارالرضا* علیه السلام، مترجم: محمد صالح روغنی قزوینی، قم، انتشارات جمکران.
۱۹. عرفان، امیرمحسن (۱۳۹۳). *نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم، دفتر نشر معارف.
۲۰. عمید، حسن (۱۳۶۵). *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر.
۲۱. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷). *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، تهران، نشر کتاب سیاسی.
۲۲. عنایت، حمید (۱۳۷۷). *انقلاب اسلامی: مذهب در قالب ایدئولوژی سیاسی*، مترجم: امیر سعید الهی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۷.
۲۳. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۰). *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۲۴. فعالی، محمدتقی (تابستان ۱۳۹۴). *خود باوری، چالش‌ها و راهکارها (با تاکید بر نگرش دینی)*، فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، سال ۵، شماره ۴.
۲۵. کلباسی اشتری، حسین (۱۳۸۹). *هزاره‌گرایی در سنت مسیحی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۶. گلدستون، جک (۱۴۰۱). *مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، کویر.
۲۷. لاکویر، والتر (۱۳۷۸). *انقلاب: گزیده مقالات سیاسی - امنیتی*؛ مترجم: مؤسسه



پژوهش‌های اجتماعی، تهران، بینش.

۲۸. محققیان، زهرا، پرچم، اعظم (پاییز ۱۳۹۰). *تحلیل اخلاقی امید با تأکید بر آیات قرآن*

کریم، پژوهش نامه اخلاق، شماره ۱۳.

۲۹. منصوری، محمدهادی (پاییز ۱۳۹۹). *تحلیل ویژگی‌های امید صادق در نظریه انتظار*

مقام معظم رهبری، نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۶۲.

۳۰. مهدوی نژاد، غلامحسین (تابستان ۱۳۸۶). *راه کارهای تقویت خود باوری در مجامع*

علمی و دانشگاهی از دیدگاه قرآن و روایات، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی،

سال یازدهم، شماره ۲.

۳۱. نامدار طالشان، مظفر (زمستان ۱۳۸۵). *نظام شناخت عقلانی تاریخ، جستارهایی در*

*نسبت حکمت آرمانخواهی و عقل گرایی تاریخ با دانش‌ها و پنداشته‌های انسان*، مجله

فرهنگ، شماره ۶۰.

۳۲. یوسفی، رسول (۱۴۰۳). *تبیین جایگاه امید آفرینی اجتماعی در راستای تحقق گام*

*دوم انقلاب*، همایش بین المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز، تهران،

دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.

